

شناسایی و تبیین عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان رستم)

یوسف قنبری* - رحیمه انصاری^۲

۱- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۲- کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۳/۲۶ صص ۱-۱۰ تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۰۵/۱۰

چکیده

هدف: تحقیق حاضر با هدف بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی و ارائه راهکارهایی در جهت بهبود وضعیت زنان روستایی شهرستان رستم (فارس) انجام شده است.

روش: جامعه آماری تحقیق، ۱۰۳۲۷ از خانوارهای روستایی شهرستان رستم بود که با استفاده از فرمول کوکران، نمونه‌ای به حجم ۳۳۰ نفر انتخاب گردید. به منظور سنجش ضریب اعتبار پرسشنامه، آزمون پیش‌آهنگی انجام شد که ضریب اطمینان کرونباخ آن بیش از ۷۹٪ به دست آمد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز، از روش تحلیل عاملی، رگرسیون گام به گام، کای اسکور استفاده شده است. **یافته‌های تحقیق:** نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی، همکاری آنان در فعالیت‌های اقتصادی، عوامل فردی و اجتماعی است که مقدار واریانس جمعی تبیین شده توسط این عوامل ۵۵/۸۰ می‌باشد. علاوه بر این، اساسی‌ترین موانع موجود در مسیر توانمندسازی زنان عواملی نظیر نبود فرصت‌های شغلی، پایین بودن میزان تحصیلات، وجود تعصبات خانوادگی و نبود حمایت‌های قانونی و شبکه ارتباطی می‌باشد که این چهار متغیر، در مجموع قادر به تبیین حدود ۵۵٪ از تغییرات متغیر وابسته (عامل عدم توانمندی اجتماعی زنان) می‌باشند. در نهایت، متغیرهای مذکور، در سطح ۹۹٪، با موانع توانمندسازی زنان دارای رابطه مثبت و معناداری می‌باشند. بنابراین، برای ارتقاء توانایی زنان روستایی شهرستان رستم در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و برنامه‌ریزی جهت گسترش مشارکت آنان، حذف این موانع ضروری می‌باشد.

راهکارهای عملی: در برنامه‌ریزی‌های روستایی در آینده، لزوم توجه به عوامل ذکر شده ضروری می‌باشد. به بیان دیگر، مسئولین باید به دنبال روش‌هایی برای افزایش انگیزه زنان روستایی، به منظور شکوفایی استعدادها و توانایی‌های آنان و ایجاد زمینه‌های لازم برای بکارگیری این استعدادها باشند.

اصالت و ارزش: در کشورهای در حال توسعه، با وجود این که زنان در اجتماعات روستایی نقش حیاتی ایفا می‌کنند، اما توانایی آنان به میزان بسیار کمتری ارزش‌گذاری شده است. بر این اساس، شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی که تقریباً نیمی از جمعیت فعال جامعه را تشکیل می‌دهند، می‌تواند در جهت افزایش توانایی این زنان، مؤثر واقع شود. **کلیدواژه‌ها:** توانمندسازی، زنان روستایی، عوامل اقتصادی و اجتماعی، موانع توانمندسازی، شهرستان رستم.

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسئله

اهمیت سهم زنان روستایی در نیروی انسانی، نه تنها در فعالیت‌های خانگی، بلکه، در فعالیت‌های تولیدی بیرون از خانوار نیز می‌باشد. با توجه به این‌که زنان هم در منزل و هم در بیرون از منزل، مشغول انجام فعالیت‌هایی می‌باشند، شایسته است که سهم آنان به طور دقیق در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی تعیین گردد. از سوی دیگر، از آنجایی که زنان روستایی در نقاط مختلف ایران به به فعالیت می‌پردازند، بنابراین فعالیت‌های اقتصادی- اجتماعی زنان روستایی، تابعی از موقعیت اقتصادی خانوار، پایگاه اجتماعی زنان روستایی، وضعیت قدرتی زنان، میزان آگاهی فرهنگی مردان از اهمیت زنان، و همچنین عوامل جغرافیایی می‌باشد. در واقع، شرط تحقق پایدار، حضور و مشارکت واقعی و فعال زنان در کنار مردان در فرآیند توسعه می‌باشد. با این وجود، بی‌تردید حضور و مشارکت زنان در گروه توانمندی آن‌ها می‌باشد (خلوتی، ۱۳۸۸، ص. ۱۵۴). همچنین در مواجهه با تداوم فقر و برقراری عدالت جنسیتی، ضرورت توانمندی زنان در ادبیات توسعه و جنسیت مد نظر قرار گرفته است (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶، ص. ۱). در این میان، شرایط توسعه‌نیافتگی در فضای روستایی باعث شده است که زنان روستایی به رغم گستردگی مشارکتشان در فعالیت‌های روزانه اقتصادی- اجتماعی، همواره به عنوان اقشاری آسیب‌پذیر در برنامه توسعه روستایی به حساب آیند (علی‌بیگی و همکاران، ۱۳۸۶، ص. ۸۹). امروزه صاحب‌نظران بر این اعتقادند که می‌بایست از طریق بازنگری دیدگاه‌های برنامه‌ریزی، توجه و تأکید ویژه‌ای نسبت به این قشر مبذول شود. از این‌رو، براساس تغییر و تحولات صورت گرفته در دیدگاه‌های توسعه، رهیافت‌های مشارکتی و توانمندسازی زنان روستایی مورد توجه ویژه قرار گرفته‌اند. بنابراین، زنان باید در زمینه‌های مختلف توانمند شوند تا از این طریق، بتوانند نقش خود را در جامعه بیشتر نمایان کنند. توانمندسازی زنان با کیفیت زندگی و مسائل اساسی حقوق بشر در ارتباط است (جکسون، ۲۰۱۰، ص. ۱۲).

زمانی می‌توان بر اهمیت توسعه‌یافتگی زنان، به ویژه زنان روستایی، صحنه گذارد و برای آن برنامه‌ریزی کرد که از طریق وارد اجتماع کردن زنان و دادن نقش ویژه و کلیدی به آنان، احساس مفید بودن را در آن‌ها پرنگ کرد. در این صورت است که زنان در خواهند یافت که نقش و جایگاه واقعی آنان فراتر از

باورهای نخ‌نما شده درباره آن‌هاست. در چنین شرایطی، زنان با اتکا بر توانایی‌های خود، در مسیر توسعه فردی و اجتماعی نسبت به گذشته، مؤثرتر ظاهر خواهند شد. لذا، از طریق ارزیابی پایداری اجتماعی زنان، می‌توان در جهت روشن شدن وضعیت اجتماعی فعلی زنان روستایی و حرکت به سمت جایگاه واقعی آنان گام برداشت.

برای سنجش پایگاه اقتصادی- اجتماعی، روش‌های مختلفی وجود دارند که از آن جمله می‌توان به شاخص‌های مستقیم، شامل میزان درآمد ماهانه، میزان تحصیلات و نوع شغل افراد در جامعه که جزء شاخص‌های قدیمی برای سنجش پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد به شمار می‌آیند، اشاره کرد. علاوه بر این، از جمله شاخص‌های غیرمستقیم که در مطالعات توسعه و سنجش سلامتی افراد به کار می‌روند، میزان دارایی- های تحت مالکیت افراد می‌باشد (چوما و مولینکس، ۲۰۰۹، ص. ۸۴).

هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی دخیل در توانمندسازی زنان روستایی و شناسایی عوامل مؤثر و یا موانع موجود در مسیر این توانمندسازی می‌باشد. برای دستیابی به هدف اصلی این تحقیق، سؤالات زیر مطرح می‌شوند:

۱- مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی کدام‌اند؟

۲- مهم‌ترین موانع موجود در مسیر توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی زنان در فعالیت‌های روستا کدام‌اند؟

۱.۲. پیشینه تحقیق

مالهاترا، شولر و بویندر^۳ (۲۰۰۲)، برای توانمندسازی زنان روستایی ابعاد مختلفی را در نظر می‌گیرند که عبارتند از: عوامل اقتصادی (شامل کسب یا افزایش درآمد، توانایی بازپرداخت وام و ...)، عوامل اجتماعی (شامل آزادی زنان برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی)، عوامل خانوادگی (شامل قدرت تصمیم‌گیری در مورد امور مختلف خانواده)، عوامل سیاسی (شامل شرکت در انتخابات و مناسبت‌های سیاسی)، عوامل قانونی (شامل آگاهی از حقوق شهروندی) و عوامل روانشناختی (شامل عزت‌نفس، خودکارآمدی و ...) نتایج بررسی موحد، عنایت و گرجی (۲۰۰۴)، نشان می‌دهد عواملی چون، وضعیت اشتغال و تحصیلات زنان و مادران آنان تأثیر بسزایی بر تغییر روابط موجود در جامعه و خانواده دارد. این امر نشان می‌دهد که با افزایش میزان تحصیلات و بهبود وضعیت اشتغال زنان، تغییر روابط در خانواده، امری بدیهی خواهد بود. مطالعات مرتبط به

نگرش زنان نسبت به این مسائل حاکی از آن است که درصد بالایی از زنان تحصیل کرده و شاغل، رویه سنتی موجود در توزیع قدرت و منابع در خانواده را به رسمیت نمی‌شناسند.

بررسی اجتماعی و اقتصادی نقش زنان در روستای آهندان توسط سرمدی، مال میر و ساریخانی (۱۳۷۳) نشان داد، در خانوارهای روستایی منتخب، زنان در امور تولید از مردان فعال‌ترند (در میان اقشار مختلف، ۷۶ درصد زنان در سطح پایین اقتصادی، ۷۴ درصد از قشر متوسط و ۵۶ درصد از زنان مرفه، نیروی کار خانوار در مزارع برنج و چای را تشکیل می‌دهند). قدرت و نفوذ مردان در خانواده‌ها بسیار بالاست و زنان در مورد تصمیم‌گیری‌های تولیدی نقش کم‌رنگ‌تری دارند.

بابایی (۱۳۷۹)، طی پژوهشی به شناخت جایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان استان همدان پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان داد که ۶۳،۵ درصد از زنان، پایگاه اجتماعی و اقتصادی بسیار پایینی داشته‌اند و تنها ۲/۹ درصد متوسط و ۲/۸ درصد در سطح بالا و خیلی بالا قرار داشتند. زنان شهرستان همدان، تویسرکان، رزن، بهار، اسدآباد و کبودر آهنگ، به ترتیب بالاترین سطح اقتصادی - اجتماعی تا پایین‌ترین سطح را به خود اختصاص داده‌اند.

حسینی‌نیا (۱۳۷۶)، در پژوهشی با عنوان «توانمندسازی دختران روستایی، راهبردی در تحقق آرمان برابر جنسیتی و دستیابی به نمودی از توسعه انسانی پایدار»، به این نتایج دست یافت که فراهم آوردن امکانات آموزشی برای دختران روستایی، به عنوان محور اصلی فعالیت، در قالب آموزش‌های رسمی (متوسطه و بالاتر) و آموزش‌های ترویجی، فنی و حرفه‌ای، خانه‌داری و ...، حق مسلم همه دختران روستایی است که باید با جدیت دنبال شود.

شکوری، رفعت‌جاه و جعفری (۱۳۸۶)، با الهام از چارچوب مفهومی فقر و توانمندسازی، به بررسی عوامل مؤثر بر

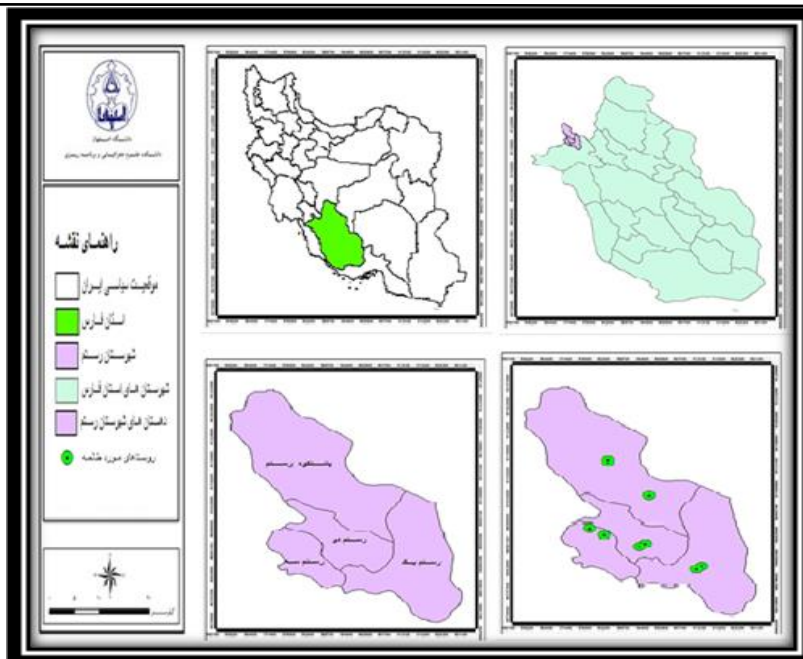
توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، به عنوان یکی از گروه‌های در معرض خطر در شهر تهران پرداختند. مطابق یافته‌های پژوهش، علاوه بر سطح تحصیلات و مهارت پایین زنان و نبود فرصت‌های شغلی مناسب، آنان از توانمندی روانی و اجتماعی بالایی نیز برخوردار نیستند و با وجود تلاش‌هایی که در قالب طرح‌های حمایتی از آنان انجام شده است، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، همچنان در سطح پائینی قرار دارد.

شهریاری (۱۳۷۸)، موانع موجود بر سر راه توانمندسازی زنان را به سه بخش تقسیم می‌کند: موانع فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی. او بر این باور است که از طریق حمایت خانواده‌ها، در دسترس بودن پشتوانه مالی و اطلاع‌رسانی به موقع درباره برپایی کلاس‌های آموزشی که باعث تقویت خودباوری زنان می‌شوند، می‌تواند باعث افزایش توانایی‌های زنان گردد.

۲. روش‌شناسی تحقیق

۲.۱. قلمرو جغرافیایی تحقیق

شهرستان رستم یکی از شهرستان‌های استان فارس با جمعیتی حدود ۴۰۶۷۴ نفر و ۱۰۳۲۷ خانوار می‌باشد. این شهرستان با وسعتی در حدود ۱۲۰۰ کیلومتر مربع، به مرکزیت شهر مصیری، دارای ۲ بخش مرکزی و سورنا، ۴ دهستان و ۱۷۴ روستا و آبادی است. از لحاظ ساختار اقتصادی، شهرستان بیشتر به بخش کشاورزی متکی است که دلیل آن وجود زمین‌های هموار و مستعد برای کشاورزی می‌باشد. در سال ۱۳۹۰، از کل ۲۲۸۷۹ هکتار اراضی زراعی، ۱۴۶۳۳ هکتار محصولات آبی و ۷۹۸۰ هکتار اراضی به کشاورزی اختصاص داشتند. عمده‌ترین محصولات زیر کشت برنج، مانند چمپای علی شهری محلی و برنج پر محصول آمل یک و دو، می‌باشند. لازم به ذکر است که محصولات استراتژیکی مانند گندم، جو، قند، ذرت و دیگر محصولات صیفی نیز در این شهرستان به خوبی تولید می‌شوند.



شکل ۲- نقشه موقعیت منطقه مورد مطالعه

مأخذ: فرمانداری شهرستان رستم، ۱۳۹۱.

۲.۲. روش تحقیق

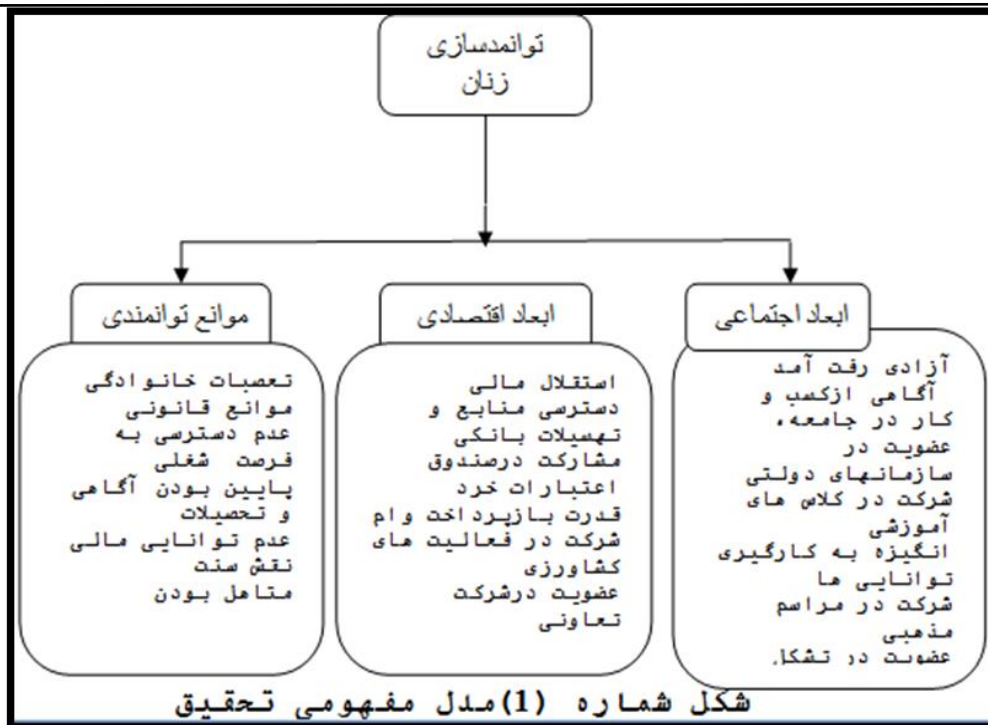
پژوهش حاضر، یک پژوهش کاربردی از نوع پیمایشی است. گردآوری اطلاعات مورد نیاز به روش میدانی و با استفاده از پرسشنامه طراحی شده توسط محقق می‌باشد. به منظور اطمینان از پایداری و اعتبار مفاهیم، نخست با دادن پرسشنامه به ۳۰ نفر از افراد جامعه آماری، اقدام به انجام یک مطالعه راهنما شد و در نتیجه، آلفای کرونباخ کل، نزدیک به ۷۹ درصد محاسبه گردید. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه خانوارهای روستایی شهرستان رستم بود. طبق آمار سال ۱۳۹۰، کل خانوارهای شهرستان رستم تعداد ۱۰۳۲۷ خانوار بوده‌اند که از این تعداد، ۸۷۹۵ خانوار در نقاط

روستایی قرار داشته‌اند که به عنوان جامعه آماری این تحقیق در نمونه‌گیری وارد شدند. برای تعیین حجم نمونه، از فرمول عمومی کوکران استفاده گردید که به جهت محدودیت‌های زمانی و اقتصادی و به ویژه، گستردگی جامعه آماری، با استفاده از دستور تصحیح شده، به ۳۳۵ پرسشنامه کاهش یافت و پس از بررسی‌های لازم، با توجه به شرایط منطقه و میزان همخوانی روستاها، در نهایت، تعداد ۸ روستا به عنوان نمونه در منطقه مورد مطالعه انتخاب و تعداد نمونه روستاها به روش نظامند تعیین گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل عاملی، همبستگی کای اسکوتر و همچنین رگرسیون گام به گام استفاده شد.

جدول ۱- اسامی روستاهای منتخب و تعداد خانوار نمونه‌گیری شده

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰.

نام طبقات	تعداد روستا	تعداد خانوار	اسامی روستاهای منتخب	جمعیت خانوار	تعداد خانوار نمونه‌گیری شده
دهستان رستم یک	۹۲	۳۹۴۲	بابامیدان باباگورین	۸۲۳ ۳۲۰	۱۰۴ ۲۵
دهستان رستم دو	۳۱	۱۸۷۶	دهنو مرکزی دهنو مقیمی	۳۲۰ ۲۴۸	۴۱ ۳۱
دهستان رستم سه	۱۵	۲۳۰۶	حسین‌آباد عرب‌ها	۳۴۵ ۳۰۲	۴۴ ۳۸
پشتکوه رستم	۳۶	۲۲۰۳	پهون تیرازجان	۲۳۳ ۱۸۷	۲۹ ۲۳
مجموع	۱۷۴	۱۰۳۲۷	۸	۲۶۶۲	۳۳۵



شکل ۲- مدل مفهومی تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، سال ۱۳۹۲.

۳. مبانی نظری تحقیق

در دو دهه اخیر نقش بسزایی در دست‌یابی به توانمندسازی ایفا می‌کند، اعطای اعتبارات خرد به فقرا و خصوصاً زنان می‌باشد. به دلیل نقش مهم نابرابری‌های جنسیتی در به حاشیه راندن زنان در امور اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، و نیز نقش این نابرابری‌ها به عنوان عامل بازدارنده توسعه جوامع، و نیز برای کمک به برابری و قدرت‌بخشی به نیمی از افراد جامعه، که زنان‌اند، مفهوم توانمندسازی گسترش یافته است. این مفهوم، در ابتدا مورد توجه فمینیست‌ها و سپس نظریه‌پردازان توسعه قرار گرفت. برای بهبود وضعیت اقتصادی زنان روستایی نظریه‌های متعددی از جمله فقرزدایی، برابری (عدالت)، رفاه و توانمندسازی مطرح شده است. در سال‌های اخیر نظریاتی که درباره مشارکت زنان مطرح شد، عبارتند از: جنبش سبز، مسائل تبعیض جنسی، دموکراسی و غیره. رویکردهای اخیر به گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم ناشی از حرکت‌های اجتماعی-سیاسی زنان می‌باشد. بررسی‌ها و مطالعات انجام شده در کشور ایران نشان داده است که زنان در جوامع روستایی و عشایری در تولید، به ویژه در تولید اقتصادی و اجتماعی، نقش کلیدی دارند. بنابراین، این زنان سهم انکارناپذیری در اقتصاد و توسعه پایدار دارند (علی‌محمدی، ۱۳۸۶، ص. ۳۰).

توانمندسازی یا قدرت‌یابی فرآیندی است که طی آن، زنان توانایی تشکیل و سازماندهی خود را پیدا می‌کنند تا بتوانند از این طریق، اعتمادبه‌نفس خود را افزایش دهند، حق انتخاب آزادانه و مستقل را برای خود طلب نمایند و بتوانند منابعی که به مبارزه با فرودستی ایشان و از بین بردن این فرودستی کمک می‌کنند را تحت کنترل خود قرار دهند (ابوت و والاس، ۱۳۸۵، ص. ۲). به بیان دیگر، توانمندسازی از نظر استراتژی، به عنوان مدیریتی برای تسهیم قدرت تصمیم‌گیری تعریف می‌شود. باربی و بات^۴، (۱۹۹۱، ص. ۲۸) توانمندسازی را عمل اعطای مسئولیت به افرادی می‌دانند که از نزدیک با مسائل سروکار دارند. این سه تعریف متفاوت، انعکاسی از پیش‌فرض‌های مختلف در مورد ماهیت توانمندسازی می‌باشند. با این وجود، با در نظر گرفتن دیدگاه‌های مختلف در ارتباط با توانمندسازی، می‌توان گفت که هر یک از این تعاریف به صورت جزئی و مجزا صحیح می‌باشد و ضروری است با در نظر گرفتن ابعاد مختلف هر یک از آنها، تعریف جامع‌تری از آن ارائه داد. در یک تعریف کلی، توانمندسازی را می‌توان فرآیند قدرت‌بخشی به افراد، جهت تسلط بر انتخاب‌های خویش که باعث افزایش سرمایه‌های شخصی و اجتماعی می‌شود، در نظر گرفت. یکی از راه‌هایی که

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. یافته‌های توصیفی

میانگین سنی پاسخگویان ۳۱،۶۷ سال و میزان تحصیلات آنان ۲،۴۵، سرپرست خانوار ۱،۹۱ در واقع تعداد خیلی کمی از آن‌ها سرپرست خانوار بودند بعدخانوار ۵،۰۲ بیشتر بین ۶-۲ فرزند داشتند.

جدول ۲- ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، سال ۱۳۹۲.

متغی‌ها	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
سن	۳۱/۶۷	۱۲/۰۸	۱۴	۷۰
تحصیلات	۲/۴۶	۱/۰۷	۱	۵
سرپرست خانوار	۱/۹۲	۰/۲۸	۱	۲
بعد خانوار	۵/۰۲	۲/۷۶	۱	۱۳

۴.۲. اعتبار تحلیل عاملی

می‌توان هر مجموعه‌ای را که دارای تعدادی متغیر است، در یک تحلیل عاملی وارد نمود، اما نتیجه حاصل از آن برون‌داد فاقد اعتبار خواهد بود. برخی از روش‌های ارزیابی متغیرهای وارد شده از نظر امکان عاملی شده، دارای توانایی عاملی شدن هستند یا نه، را باید مورد بررسی قرار داد باید منطقی بودن راه حل ارائه شده توسط تحلیل عاملی را در نظر گرفت که ماتریس داده‌ها برای تحلیل عاملی باید حاوی اطلاعات معنی‌داری باشد. سنجش معنی‌داری اطلاعات موجود در یک ماتریس، از طریق آزمون مربع کای و بارتلت صورت می‌گیرد، بدین صورت که معنی‌داری آماره کی دو (مربع کای) و آزمون بارتلت، حداقل شرط لازم برای KMO^۵ تحلیل عاملی است. اما در صورتی که مقدار این آماره بیش از ۰/۷۰ باشد، همبستگی‌های موجود به طور کلی برای تحلیل عاملی مناسب‌اند. همچنین چنانچه مقدار آن بین ۰/۵۰ تا ۰/۶۹ باشد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهند بود ولی نیاز به دقت بیشتری وجود دارد. در نهایت، مقادیر کمتر از ۰/۵۰ بدان معناست که تحلیل برای آن مجموعه از متغیرها مناسب نمی‌باشد (دواس، ۱۳۷۶، ص. ۲۵۶).

در آزمون بارتلت فرض صفر بر این است که متغیرها فقط با خودشان همبستگی دارند. رد فرض صفر حاکی از آن است که ماتریس همبستگی دارای اطلاعات معنی‌دار است و حداقل

شرایط لازم برای تحلیل عاملی وجود دارد. این آزمون را آزمون کروییت نیز نامند (جدول ۳).

جدول ۳- آزمون تست بارتلت و مناسب بودن و سطح

معنی‌داری شاخص‌ها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، سال ۱۳۹۲.

سطح معنی‌داری	درجه آزادی	مقدار بارتلت	مقدار KMO	شاخص‌های مورد تحلیل
۰.۰۰	۷۰۳	۳۵۸۱،۲۱۶۸	۰.۷۹	توانمندسازی زنان

۴.۳. استخراج عامل‌ها

در این مرحله هدف بدست آوردن سازه‌های زیربنایی است که سبب ایجاد تغییرات متغیرهای مورد مشاهده شده‌اند. SPSS نخست، ترکیب‌هایی از متغیرها را که همبستگی‌های آنها بالاترین میزان واریانس کل مشاهده شده را نشان می‌دهد، انتخاب می‌کند. این مجموعه عامل ۱ را می‌سازند. عامل ۲، مجموعه متغیرهایی است که بالاترین سهم را در تبیین واریانس باقیمانده دارند. این شیوه برای عامل سوم، چهارم و عامل‌های بعدی ادامه پیدا می‌کند تا تعداد عامل‌های استخراج شده برابر با تعداد متغیرها شود.

همبستگی هر متغیر با هر عامل، بار عاملی نامیده می‌شود و مقدار آن بین -۱ و +۱ است. واریانس تبیین شده توسط هر عامل برابر با مجذور بارهای عاملی آن می‌باشد. این واریانس مقدار ویژه نامیده می‌شود.

مقدار ویژه اندازه‌ای است که تعیین می‌کند چه مقدار واریانس در کل داده‌ها به وسیله یک عامل تبیین می‌شود. بخاطر داشته باشیم که تحلیل در ابتدا تمام عوامل ممکن را در نظر می‌گیرد (به تعداد مساوی با متغیرها). هر چه مقدار ویژه یک عامل بیشتر باشد مقدار بیشتری از واریانس از واریانس توسط آن عامل تبیین می‌شود. اندازه مقدار ویژه را می‌توان به منظور تعیین این امر بکار برد که آیا به اندازه کافی، واریانس برای آن عامل تبیین می‌کند تا عامل، عاملی مفید باشد. اولین مقدار ویژه همواره بیشترین بوده و از بزرگتر می‌باشد. مقدار ویژه برای عامل‌های بعدی کوچکتر می‌باشد استخراج عامل‌ها مؤثر در پژوهش با استفاده از ماتریس همبستگی و ماتریس عاملی، برای تمامی مقادیر ویژه غیر صفر می‌شود. طبق توضیحات و مراحل شرح داده شده، نتیجه استخراج عامل‌ها در این پژوهش تقلیل ۳۳ شاخص پژوهش به سه عامل نهایی است که حدود ۵۵/۸۷۹ درصد واریانس را توضیح می‌دهد.

جدول ۴- نتایج تحلیل عوامل حول محور اصلی ۳۳ شاخص انتخابی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، سال ۱۳۹۲.

عامل	ارزش ویژه	درصد واریانس تبیین شده هر عامل	درصد تجمعی کل واریانس
عامل یک	۴/۸۷۱	۲۹/۷۷۴	۲۹/۷۷۴
عامل دو	۳/۱۸۱	۱۶/۷۷۶	۴۶/۵۴۹
عامل سه	۱/۳۱۳	۹/۳۲۹	۵۵/۸۷۹

۴.۴. تحلیل عاملی مؤثر بر توانمندسازی زنان

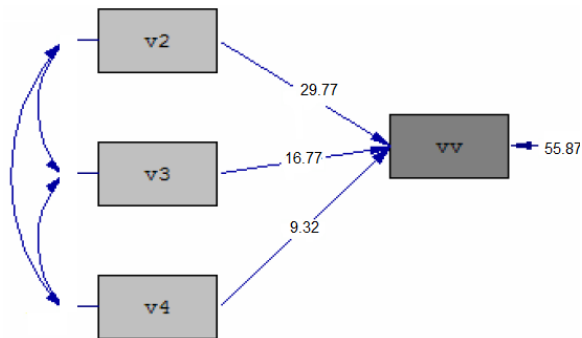
عامل اول: متغیرهای تشکیل‌دهنده این عامل، عبارتند از: شرکت در انجام فعالیت‌های درآمدزای گروهی، عضویت در تعاونی-های تولیدی، مشارکت در صندوق اعتبارات، استقلال در پس‌انداز، شرکت در کارهای عام‌المنفعه. این عوامل با مقدار ویژه (۴/۸۷)، ۲۹/۷۷ درصد از واریانس را تبیین می‌کنند (همکاری در فعالیت-های اقتصادی). عامل دوم: این عامل شامل تقسیم کار در خانواده، شرکت در تصمیم‌گیری‌ها، انگیزه بکارگیری توانایی‌های خود، شغل رئیس خانواده، وضعیت مالی خانواده، تحصیلاتو سن می‌باشند که با توجه به مقدار ویژه ۳/۱۸۷، ۱۶/۷۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند. عامل سوم: متغیرهای تشکیل‌دهنده این عامل عبارتند از: آگاه بودن زنان از چگونگی کسب و کار در جامعه، عضویت در یکی از سازمان‌های دولتی و شرکت در کلاس‌های ترویجی و آموزشی؛ این عامل با مقدار ویژه ۱/۲۱، ۹/۳۲ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

جدول ۵- عوامل بارگذاری شده مؤثر بر توانمندسازی

اجتماعی و اقتصادی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، سال ۱۳۹۲.

عوامل	متغیرها	بار عاملی
عوامل اقتصادی	شرکت در فعالیت‌های درآمدزای گروهی	۰.۷۷۶
	عضویت در تعاونی‌های تولیدی	۰.۷۴۵
	مشارکت در صندوق اعتبارات	۰.۶۹۹
	شرکت در کارهای عام‌المنفعه	۰.۵۲۷
	استقلال در پس‌انداز	۰.۵۰۲
عوامل فردی	تقسیم کار در خانواده	۰.۸۰۹
	شرکت در تصمیم‌گیری‌ها	۰.۷۷۸
	انگیزه	۰.۶۷۹
	شغل رئیس خانواده	۰.۶۷۹
	وضعیت مالی خانواده	۰.۶۵۴
عوامل اجتماعی	تحصیلات	۰.۶۱۶
	سن	۰.۵۹۸
	شرکت در کلاس‌های آموزشی	۰.۸۴۱
عوامل اجتماعی	عضویت در سازمان دولتی	۰.۶۸۹
	آگاهی از چگونگی کسب و کار	۰.۵۷۶



عوامل اقتصادی= v2، توانمندسازی اقتصادی اجتماعی= vv

عوامل اجتماعی= v4، عوامل فردی= v3

شکل ۳- مدل مفهومی تحلیل عاملی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، سال ۱۳۹۲.

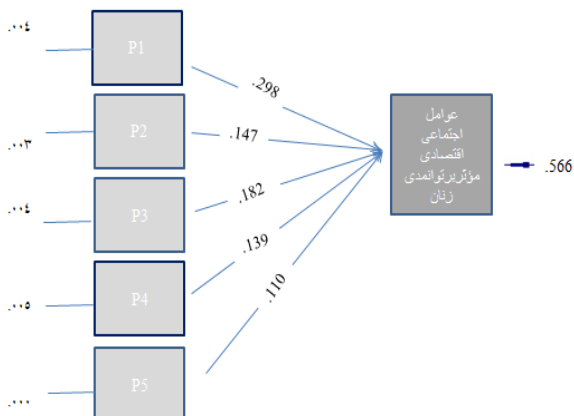
براساس نتایج مدل مفهومی، تحلیل عاملی در شکل ۳ نشان می‌دهد که این عوامل در ضمن تأثیرگذاری جداگانه بر توانمندسازی زنان روستایی شهرستان رستم، به صورت یک سیستم با یکدیگر در ارتباط هستند؛ در نتیجه، هر یک از این مؤلفه‌ها، هم به صورت مستقل و هم به صورت سیستمی، بر روی توانایی زنان شهرستان رستم تأثیرگذار هستند.

۴،۵. روش رگرسیون گام به گام

در ادامه، برای تشخیص و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر موانع توانمندسازی اجتماعی- اقتصادی، از روش رگرسیون گام به گام استفاده شده است. در این روش، قوی‌ترین متغیرها یک‌به‌یک وارد معادله می‌شوند و این کار تا زمانی ادامه می‌یابد که خطای آزمون معنی‌داری به ۵ درصد برسد. در واقع، هنگامی از رگرسیون گام به گام استفاده می‌شود که پژوهش‌گر چند متغیر مستقل دارد و می‌خواهد اثرات آن را بر روی متغیر وابسته نشان دهد. به عبارتی، از متغیرهای مستقل موجود، کدام متغیر به بهترین وجهی می‌تواند متغیر وابسته را پیش‌بینی کند، سهم هر متغیر چقدر است و در کل با چقدر قادر به پیش‌بینی هستند.

در اینجا برای حذف اثر متغیرهای غیرمؤثر یا کم‌تأثیر و بررسی دقیق‌تر رابطه متغیرهای مورد بررسی بر موانع توانمندسازی زنان روستایی، از نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شده که نتایج گام‌نهایی آن در جدول ۶ آمده است.

درخصوص عوامل مؤثر بر موانع توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی زنان، معادله رگرسیون تا پنج مرحله پیش رفت. در



شکل ۴- مدل مفهومی رگرسیون گام به گام

مأخذ: یافته‌های پژوهش، سال ۱۳۹۲.

در ادامه از آزمون کای اسکور تک متغیر جهت تأیید یا رد فرضیه استفاده شد که نتایج حاصل از آن در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۷- آزمون فرضیه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، سال ۱۳۹۲.

متغیر	X2 (کای اسکور) Chi-square	درجه آزادی df	سطح معنی‌داری Asymp.sig
موانع توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی	۸۴۱/۱۰۸	۲/۷	۰/۰۰۰

همان‌طور که در جدول نشان داده شده است، مقدار کای اسکور ۸۴۱/۱۰۸ درجه آزادی برابر با ۲/۷ و سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد. بنابراین، با توجه به مقدار کای اسکور و سطح معناداری آن می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه «عوامل مؤثر بر موانع توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی روستاهای شهرستان رستم» تأیید می‌گردد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

توانمندسازی زنان روستایی یکی از اهداف توسعه هزاره سوم است. بکاگیری توانایی‌ها و استعدادهاى زنان به قصد بهره‌گیری حداکثر از نیروی انسانی جوامع، مستلزم شناخت دقیق و علمی فعالیت‌های آنان می‌باشد. از آن جایی که در جوامع در حال انتقال، نیمی از جمعیت در روستاها به سر می‌برند که از این تعداد بخشی قابل توجهی را زنان تشکیل می‌دهند، یکی از راه‌های دستیابی به این منابع نیروی انسانی، مطالعه فعالیت-

گام اول، متغیر نبود فرصت‌های شغلی، در گام دوم متغیر پایین بودن سطح تحصیلات، در گام سوم تعصبات خانوادگی، در گام چهارم نبود حمایت‌های قانونی و در نهایت در گام پنجم نبود شبکه ارتباطی وارد معادله شدند و پنج متغیر مذکور در مجموع حدود ۵۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته (عامل عدم توانمندی اجتماعی اقتصادی زنان) را تبیین کردند.

جدول ۶- نتایج رگرسیون گام به گام

مأخذ: یافته‌های پژوهش، سال ۱۳۹۲.

متغیر مستقل	بی	بتا	آماره تی	معنی‌داری	همبستگی	ضریب تعیین
عرض از مبدأ	۰/۵۶۶		۱/۶۱			
عدم فرصت شغلی	۰/۲۹۸	۰/۴۰۲	۴/۹۷	۰/۰۰۰		
تحصیلات پایین	۰/۱۴۷	۰/۱۷۹	۲/۹۰	۰/۰۰۴		
تعصبات خانوادگی	۰/۱۸۲	۰/۱۷۵	۲/۸۵	۰/۰۰۵	۰/۵۵۳۲	۰/۵۵۷
نبود حمایت‌های قانونی	۰/۱۳۹	۰/۱۳۴	۲/۰۸	۰/۰۴۹		
شبکه ارتباطی	۰/۱۱۰	۰/۱۲۳	۱/۹۸	۰/۰۳۸		

در ارتباط با سهم هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته، می‌توان چنین بیان کرد که با توجه به مقادیر بتا، متغیر نبود فرصت‌های شغلی نسبت به سایر متغیرها بیشترین سهم را در تبیین متغیر وابسته موانع توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی داشته است، زیرا به ازاء یک واحد تغییر در انحراف معیار این متغیر، به اندازه ۴۰۳ واحد تغییر در انحراف معیار متغیر وابسته ایجاد می‌شود. همچنین متغیر پایین بودن سطح تحصیلات (۰/۱۷۹)، تعصبات خانوادگی (۰/۱۷۵)، نبود حمایت‌های قانونی (۰/۱۳۴) و عدم وجود شبکه ارتباطی مناسب (۰/۱۲۳)، به ترتیب بیشترین تأثیر را بر موانع توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی شهرستان رستم داشته‌اند. معادله خطی رگرسیون به صورت زیر می‌باشد:

$$Y = 0.556 + 0.298x_1 + 0.148x_2 + 0.182x_3 + 0.139x_4 + 0.110x_5$$

های اقتصادی- اجتماعی زنان روستایی در عرصه‌های گوناگون می‌باشد.

هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی و شناسایی عوامل زمینه ساز یا زمینه‌برچین در روند این توانمندسازی می‌باشد. بنابراین، با بهره‌گیری از یافته‌های پژوهش میدانی و روش‌های آماری، این عوامل قابل شناسایی هستند که در نتیجه آن، امکان ارائه راهکارهای مناسب مرتبط با این مقوله قابل ارائه می‌باشند.

عوامل مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی- اجتماعی زنان نشان داد که اولویت اول با عواملی مانند شرکت در انجام فعالیت‌های درآمدزای گروهی و عضویت در تعاونی‌های تولید (اسوین و والتین، ۲۰۰۹؛ و تروریر، ۲۰۰۶) مشارکت در صندوق اعتبارات (زرافشانی و همکاران، ۱۳۹۱)، شرکت در کارهای عام‌المنفعه می‌باشد که استقلال در پس‌انداز در اولویت‌بعدی قرار می‌گیرد. در مجموع، سه عامل استخراج شد که عامل اول به نام همکاری در فعالیت‌های اقتصادی با تبیین بیش از ۲۹/۷۷ درصد از کل واریانس، به عنوان اثربخش‌ترین عامل شناسایی شد (اسوین و والتین، ۲۰۰۹). عامل دوم شامل عوامل فردی می‌شود که ۱۶/۷۷ درصد، و در نهایت، عامل سوم ۹/۳۲ درصد از کل واریانس را تبیین کرد. به نام عوامل اجتماعی (دیشموک، ۲۰۰۳؛ کبیر، ۲۰۰۵) این سه عامل در مجموع، ۵۵/۸۷ درصد از واریانس عوامل مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی زنان را تبیین می‌کنند. به منظور شناسایی و الویت‌بندی عوامل مؤثر بر موانع توانمندسازی اقتصادی- اجتماعی زنان روستایی از رگرسیون گام به گام استفاده شد. در گام اول، متغیر نبود فرصت‌های شغلی، در گام دوم متغیر پایین بودن سطح تحصیلات، در گام سوم تعصبات خانوادگی، در گام چهارم نبود حمایت‌های قانونی و در نهایت در گام پنجم، نبود شبکه ارتباطی مناسب وارد معادله شدند و پنج متغیر مذکور در مجموع حدود ۵۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته (عامل عدم توانمندی اجتماعی اقتصادی زنان) را تبیین کردند. اولویت

عوامل بازدارنده نشان داد که در گام اول، متغیر نبود فرصت‌های شغلی نسبت به سایر متغیرها بیشترین سهم را در تبیین متغیر وابسته موانع توانمندسازی اقتصادی اجتماعی داشته است (کسیدس، ۲۰۰۵) تعصبات خانوادگی، نبود حمایت‌های قانونی و پائین بودن سطح تحصیلات (بلامبرگ و کنان، ۲۰۰۸) و نبود شبکه ارتباطی در گام‌های بعدی به ترتیب بیشترین تأثیر را به عنوان موانع توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی شهرستان رستم داشته‌اند. بنابراین، در نهایت عوامل نبود فرصت‌های شغلی، پائین بودن تحصیلات، وجود تعصبات خانوادگی، نبود حمایت‌های قانونی و نبود شبکه ارتباطی به عنوان موانع اصلی توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی زنان شهرستان رستم در سطح ۹۹ درصد معنادار بودند.

به‌طور کلی، نتایج پژوهش نشان داد که با توجه به سطح متوسط ۵۵ درصد توانایی زنان شهرستان رستم برنامه‌ریزی‌های روستایی در آینده باید با داشتن نگاهی ویژه به عوامل ذکر شده صورت گیرند. راه‌هایی برای افزایش انگیزه زنان روستایی برای شکوفا کردن استعدادها و توانایی‌های خود متقابلاً ایجاد زمینه ای برای به کارگیری این استعدادها جهت توجه هر چه بیشتر به زنان روستایی به عنوان قشر زحمت کش جامعه شود.

یادداشت‌ها

1. Jackson
2. Chuma & Molyneux
3. Malhotra, Schuler & Boender
4. Barbee & Bott
5. Kaiser-Meyer-Oklin
6. Swain R. & Wallentin
7. Tesoriero
8. Deshmuks.
9. Kabear
10. Kessides
11. Blamberg & kenan

کتابنامه

۱. ابوت، پ و والاس، ک. (۱۳۸۵) *جامعه‌شناسی زنان*. ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی
۲. بابایی، ح. (۱۳۷۹). *بررسی جایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان در جامعه شهری و روستایی استان همدان*. همدان: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان همدان.

۳. حسینی‌نیا، غ. (۱۳۷۶). توانمندسازی دختران روستایی، راهبردی در تحقق آرمان برابری جنسیتی و دستیابی به نمودی از توسعه انسانی پایدار. مجموعه مقالات سمینار توانمندسازی دختران جوان روستایی در مشارکت‌های اجتماعی (صص. ۳۶-۵۰)، سنندج، کردستان، ایران.
۴. خلوتی، م. (۱۳۸۸). بررسی میزان توانمندی زنان خانه‌دار و عوامل مؤثر بر آن در شهر شیراز ۱۳۸۶، فصلنامه پژوهش/اجتماعی، ۲(۴)، ۱۷۱-۱۵۳.
۵. دواس، دی، ای، (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.
۶. سرمدی، ف، مالمیر، پ. و ساریخانی، ن. (۱۳۷۳). زنان روستایی و اشتغال‌زایی آنان. تهران: مؤسسه پژوهش برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
۷. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۱). نتایج سرشماری نفوس و مسکن استان فارس. تهران: مرکز آمار ایران.
۸. شکوری، ع، رفعت‌جاه، م. و جعفری، م. (۱۳۸۶). مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آن‌ها. پژوهش زنان، ۵(۱۷)، ۱-۲۶.
۹. شهریاری، پ. (۱۳۷۸). بررسی نگرش مردان به اشتغال زنان مورد مطالعه شهر شیراز. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده)، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
۱۰. علی‌محمدی، ن. (۱۳۸۶). جایگاه فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در اقتصاد روستا و راهکارهای توسعه آن (مطالعه موردی برآن اصفهان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
۱۱. علی بیگی، ا، زرافشانی، ک. و اولانی، س. (۱۳۸۶). تحلیل جنسیتی فعالیت‌های کشاورزی در روستاهای شهرستان کرمانشاه: توصیه‌هایی برای عاملان توسعه روستایی، مطالعات زنان، ۵(۲)، ۸۹-۱۱۲.
۱۲. فرمانداری شهرستان رستم. (۱۳۹۱). آخرین وضعیت تقسیمات کشوری شهرستان. مصیری: فرمانداری شهرستان رستم.
۱۳. زرفشانی، ک، علی بیگی، م، فقیری، م. (۱۳۹۱). رتبه‌بندی صندوق اعتبارات خرد براساس توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه. مجله زن در توسعه و سیاست، ۱۰(۳۶)، ۱۰۵-۱۲۴.
14. Barbee, C., & Bott, V. (1991). Customer treatment as a mirror of employee treatment. *SAM Advanced Management Journal*, 56(2), 27.
15. Bali Swain, R. (2007). Impacting women through microfinance. *Dialogue, Appui au Developpement Autonome*, 37, 61-82.
16. Wain, R. B. & Wallentin, F. Y. (2009). Does microfinance empower women? Evidence from self-help groups in India. *International review of applied economics*, 23(5), 541-556.
17. Blumberg, R. L. (2009). *The consequences of women's economic empowerment vs. disempowerment: From the "magic potion" for development to the "four horsemen of the Apocalypse"*. In Presentation at the UNESCO Women's Studies and Gender Research Networking Conference, Bangkok.
18. Chuma, J., & Molyneux, C. (2009). Estimating inequalities in ownership of insecticide treated nets: does the choice of socio-economic status measure matter?. *Health policy and planning*, 24(2), 83-93.
19. Deshmukh-Ranadive, J. (2003). Placing Gender Equity in the Family Centre Stage: Use of Kala Jatha Theatre. *Economic and political weekly*, 1674-1679.
20. Jackson, M. A. (2010). Empowering Women of Nepal: An Experience of Empowerment in the Land of the Himalaya. M.A Thesis, Prescott College in Adventure Education.
21. Kabeer, N. (2005). Is microfinance a 'magic bullet' for women's empowerment? Analysis of findings from South Asia. *Economic and Political weekly*, 4709-4718.
22. Kessides, C. (2005). *Contributions of Urban Development to Economic Growth and Poverty Reduction in Sub-Saharan Africa*. Washington, D. C: World Bank (draft).
23. Malhotra, A., Schuler, S. & Boender, C. (2002). *Measuring women's empowerment as a variable in international development*. Gender and Development Group: World Bank.
24. Movahed, M., Enayat, H., & Gorgi, A. (۲۰۰۴). Socio-economic factors affected on women attitudes' related to gender inequality. *Women Research*, 3 (2), 95-113.
25. Tesoriero, F. (2006). Strengthening communities through women's self help groups in South India. *Community Development Journal*, 41(3), 321-333.
26. Filmer, D., & Pritchett, L. H. (2001). Estimating wealth effects without expenditure Data—Or tears: An application to educational enrollments in states of India*. *Demography*, 38(1), 115-132.